

سازمان آزادی زن صدای قطب سوم در فروم
اجتماعی اروپا
جهانی دیگر ممکن است



هیاتی سه نفره از سازمان آزادی زن، متشکل از آذر ماجدی، شهلا نوری و کریم نوری در فروم اجتماعی اروپا که در مالمو، سوئد بتاريخ ۱۷ تا ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۸ برگزار شد، شرکت کردند. سازمان آزادی زن موفق شد از طریق سازماندهی سمینار، شرکت در پانل، برگزاری میز

صفحه بعد



غرفه آزادی زن در
نمایشگاه بین
المللی کتاب و
کتابخانه گوتنبرگ
سوئد

نمایش آزادیخواهی و برابری طلبی

در روزهای ۲۵ تا ۲۸ سپتامبر نمایشگاه کتاب گوتنبرگ، سوئد که بزرگترین نمایشگاه کتاب در اسکاندیناوی است، برگزار شد. هر سال بیش از ۱۰۰ هزار نفر از این نمایشگاه دیدن می کنند. سازمان آزادی زن امسال نیز غرفه ای در

و شاید همین لحظه! چرا سکوت میکنیم؟

مهناز قزلو (رها) صفحه ۴

مصاحبه با شهلا نوری صفحه ۶

با چراغ سبز قانون در حجله مرگ صفحه ۷

برای آزادی زن! علیه
آپارتاید جنسی

سردبیر ۵۲



فروم اجتماعی اروپا امسال در تاریخ ۱۷ تا ۲۱ سپتامبر و همینطور نمایشگاه بین المللی کتاب و کتابخانه شهر گوتنبرگ از ۲۶ تا ۲۹ سپتامبر بار دیگر فرصتی برای سازمان آزادی زن بود تا بتواند موقعیت زنان

در ایران، نقش اسلام سیاسی در فرودستی زن و همچنین جنبش برابری طلب در مقابله با آنرا در مقابل چشمان هزاران نفر به نمایش بگذارد.

شرکت سازمان آزادی زن در این دو حرکت مهم در سوئد نمایش یک قدرت و یک صدای متفاوت دیگر است. اما قبل از هر چیزی باید از همه کسانی که این امر را امکان پذیر ساختند تشکر نمود: شهلا نوری، آذر ماجدی، کریم نوری و مریم کوشا. به همگی خسته نباشید می گوئیم. گزارش هر دو واقعه در این شماره درج گردیده است.

هفته گذشته در حول و حوش اخبار، ایلنا خبر از بررسی یک قانون جدید در کمیسیون آموزش داد که بر اساس آن دخترانی که در آزمون سراسری دانشگاهها پذیرفته میشوند تنها در محل اقامت پدر و مادر خود میتوانند به تحصیل ادامه دهند.

این هم یک قدم دیگر برای مقابله با موج عظیم حرکتی است که زنان و دختران از چند سال پیش برای شرکت در مدارس عالی و ادامه تحصیل آغاز نموده اند. جمهوری اسلامی که به هیچ عنوانی نمیتواند جلو این موج را بگیرد این بار از راه دیگری وارد شده است. تشدید قوانین ارتجاعی در مقابله با امکان شرکت در مدارس عالی.

این طرح از همین حالا باید افشا گردد و در مقابل آن ایستاد. جمهوری اسلامی میخواهد کلاه شرعی دیگری برای کنترل هرچه بیشتر زنان و دختران بدوزد و آنها را بیش از پیش خانه نشین کند، فقر و بیکاری بیش از پیش را به زنان تحمیل نماید و مرد سالاری را بعنوان ضامن بقای سیستم تشدید کند. این طرح باید مورد بیشترین نقد فعالین اجتماعی و حقوق زنان قرار گیرد و افشا شود.

برای اعتراض به این قانون جدید ضد زن پتیشون زیر را امضا کنید: <http://www.PetitionOnline.com/nsin2008/>

پروین کابلی

علیه لایحه ارتجاعی محروم کردن دختران

دانشجو از زندگی مستقل بپاخیزیم! صفحه ۸

ستم بر زن موقوف!

سازمان آزادی زن صدای قطب سوم در فروم اجتماعی اروپا

کتاب، ارائه و پخش ادبیات، شرکت فعال در مجمع زنان و در تظاهرات روز شنبه پیام آزادی، برابری و سکولاریسم را به گوش هزاران نفر برساند. در سخنرانی‌ها و مباحث فروم و در صحبت‌های گروهی، سازمان آزادی زن بر اهمیت و مبرمیت تشکیل قطب سوم در تقابل با دو قطب تروریستی تاکید کرد. ما اعلام کردیم که جهانی دیگر ممکن است و باید برای سازماندهی و بسیج گسترده قطب سوم دست بکار شویم. این پیام با استقبال بسیاری روبرو شد.

"فروم اجتماعی اروپا" بخشی از فروم جهانی است که در سال ۲۰۰۲ برای اولین بار در فلورانس و سپس به ترتیب در پاریس، لندن، آتن و امسال در مالمو-سوئد برگزار شد. فروم محل گرد آمدن هزاران انسان مشتاق تغییر و ساختن جهانی آزادتر، برابرتر و عادلانه‌تر است. در فروم صد ها سازمان و انجمن شرکت می‌کنند و صدها سمینار و ورک شاپ و فعالیت‌های هنری و فرهنگی برگزار می‌شود. پیش از برگزاری فروم در سطح منطقه فعالیت‌های تدارکاتی آغاز می‌شود و بسیاری از گروه‌ها و فعالین در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند. سازمان آزادی زن یکی از سازمان‌هایی است که در تدارکات فروم اخیر در شهر گوتنبرگ، سوئد شرکت داشت و در همین رابطه سمیناری در ماه ژانویه ۲۰۰۸ در این شهر با تم اسلام سیاسی و حقوق زنان با سخنرانی آذر ماجدی برگزار کرد.

اسلام سیاسی، حقوق زنان و کشمکش جهانی

پنجشنبه ۱۹ سپتامبر از ساعت ۹ و نیم صبح تا ۱۲ و نیم سمیناری با تم فوق با سخنرانی آذر ماجدی برگزار شد. علاوه بر سازمان آزادی زن سازمانی از ترکیه نیز در بخشی از این سمینار شرکت داشت. سمینار، علیرغم مشکلات بسیاری که برای پیدا کردن محل سالن پیش آمده بود، با شرکت حدود ۱۵۰ نفر برگزار شد. بسیاری از علاقمندان بعلت کمبود جا بر روی زمین نشسته و یا در راهرو به بحث گوش می‌دادند.

این یک جنبش نوین است و در تداوم جنبش اسلامیستی اوایل قرن بیست نیست، به شرایطی که دنیا پس از یازده سپتامبر در آن قرار گرفته، اشاره کرد و سپس به جنگ تروریست‌ها و خطراتی که این جنگ بر مردم دنیا، بویژه خاورمیانه تحمیل کرده است، پرداخت. آذر سپس در مورد لزوم تقابل با هر دو قطب تروریستی و تشکیل قطب سوم سخن گفت و به این مساله اشاره کرد که چگونه این جنگ که تحت نام "جنگ علیه ترور"



این سمینار با استقبال بسیار گرم حاضرین مواجه شد. و پس از پایان سخنرانی آذر ماجدی بسیاری برای خریدن کتاب تازه انتشار یافته از انتشارات حزب اتحاد کمونیسم کارگری، تحت عنوان "نه به جنگ تروریست‌ها، آلترناتیو سوم سخن می‌گوید" به زبان انگلیسی، که حاوی نوشته‌های منصور حکمت در مورد "دنیا پس از یازده سپتامبر" و قطعنامه‌های حزب در مورد خطر جنگ علیه ایران و مقابله با تروریسم است و همچنین کتاب "اسلام سیاسی در تقابل با حقوق زن" از آذر ماجدی به آذر و شهلا مراجعه کردند.

آذر ماجدی در این سمینار پس از تازیچه کوتاهی از چگونگی پیدایش جنبش اسلام سیاسی و تاکید بر این مساله که

اشاره کرد و بر نقش بسیار تعیین کننده این جنبش در رهایی نه تنها زنان ایران، بلکه کل خاورمیانه و جهان تحت حاکمیت اسلام تاکید کرد. وی اعلام کرد که دو فاکتور مهم در حاشیه ای کردن جنبش اسلام سیاسی نقش تعیین کننده دارد: ۱- حل مساله فلسطین، تشکیل دو دولت مستقل و متساوی الحقوق؛ ۲- سرنگونی رژیم اسلامی در ایران توسط جنبش آزادیخواهی مردم ایران. آذر آنگاه شرکت کنندگان را به حمایت فعال از جنبش آزادی زن و جنبش آزادیخواهی مردم ایران دعوت کرد. و در پایان یکبار دیگر بر لزوم و مبرمیت تشکیل قطب سوم توسط بشریت آزادیخواه و متمدن در تقابل با دو قطب تاکید کرد. این سخنان با استقبال بسیار گرم شرکت کنندگان روبرو شد.

در بخش پایانی سمینار زمانی به پرسش و پاسخ و اعلام نظرات اختصاص یافت. مباحث گرم و جالبی در این بخش انجام گرفت، از جمله در مورد مساله کرد در منطقه و نقش آن در مقابله با تروریسم اسلامی. علاقمندان میتوانند بزودی به فیلم این سخنرانی و بحث و گفتگو در سایت سازمان آزادی زن دسترسی یابند.

امنیت اروپا، امنیت برای چه کسی؟ نه به بمب!

یکشنبه ۲۱ سپتامبر از ساعت ۹ و نیم صبح تا ۱۲ و نیم در پارک "سرزمین آزاد" پانلی با شرکت آذر ماجدی، لیلیان هالس-فرنج از ابتکار فمینیستی اروپا، مای بریت تئورین، نماینده پارلمان اروپا از سوئد، اولا کلوسنرل از فنلاند برگزار شد. در این پانل مباحث بسیار جالب و داغی پیرامون خطر جنگ و ویرانی در اروپا و جهان، پیشروی‌های بسیار در

از جانب تروریسم دولتی به سرکردگی آمریکا سازمان یافته است، به تقویت اسلام سیاسی منجر شده و شرایطی را فراهم آورده است که این جریان ارتجاعی و تروریست خود را بعنوان "ایدئولوژی رهائی بخش" جلوه گر سازد. در این زمینه آذر به زنان جوانی اشاره کرد که در تقابل با سیاست‌های امپریالیستی و میلیتاریستی آمریکا و سرکوبگرانه و تروریستی دولت اسرائیل حجاب بر سر کرده اند. وی گفت که حجاب اکنون بیرق این جنبش سیاه است که بخش قابل توجهی از نسل جوان نه تنها در خاورمیانه، بلکه در محیط‌های مسلمان در غرب به دلایل سیاسی بسر کرده اند. آذر آنگاه به موقعیت زنان و جنبش گسترده آزادی زن در ایران

زنده باد برابری! زنده باد آزادی!

سازمان آزادی زن صدای قطب سوم در فروم اجتماعی اروپا

ساختن بمب اتم و سلاح های ویرانگر دیگر، معاهده های میلیتاریستی و تحدیدگرایانه حقوق فردی و اجتماعی در اروپا، از جمله معاهده لیسبون، جنگ تروریست ها و نقش ویرانگر آن در عراق، افغانستان و لبنان و خطر حمله به ایران، و حذف بسیاری از حقوق مدنی، فردی و اجتماعی در اروپا و لزوم مقابله فعال با آن از طریق تشکیل قطب سوم مطرح شد. ابتدا هر یک از شرکت کنندگان در پانل سخنرانی کردند و پس از آن بحث میان پانلیست ها و شرکت کنندگان در گرفت.

یکی از مباحث داغ در این پانل حول نقش زنان بود. مای بریت تاکید داشت که چنانچه تعداد زنان شرکت کننده در مذاکرات بر سر جنگ و سلاح هسته ای و در نوشتن معاهدات افزایش یابد، امکان صلح در جهان ارتقاء می یابد. آذر ماجدی با این نظر مخالفت ورزید و به مثال های معینی در تاریخ، از جمله مارگارت تاچر اشاره کرد. وی گفت آیا تصور می کنید که در صورتی که هیلاری کلینتون به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب می شد، جهان در صلح بیشتری قرار می گرفت؟ بحث پیرامون تعیین کننده بودن نقش بیولوژی یا سیاست و جهان بینی ادامه یافت.

شرکت کنندگان این بار نیز با علاقه برای خریدن دو کتاب فوق به آذر رجوع کردند و خواهان ادامه تماس با او و سازمان آزادی زن شدند. یکی از شرکت کنندگان غیر ایرانی که با علاقه مباحث را دنبال کرده بود، در پایان خواهان

عضویت در سازمان آزادی زن شد. ایده تشکیل قطب سوم در این پانل نیز با گرما و هیجان بسیار مورد استقبال قرار گرفت.

سخنان آذر ماجدی در مورد لزوم تشکیل قطب سوم در تقابل با دو قطب تروریستی در بیابانه پایانی پانل قرار گرفت.

مجمع زنان

برای اولین بار در فروم اجتماعی یک مجمع زنان برگزار شد. چهارشنبه بعداز ظهر نزدیک به صد نفر از

آزادی زن سکولار مدافع آزادی بی قید و شرط بیان و برابری همه افراد صرف نظر از جنسیت، ملیت، نژاد، مذهب و شهروندی تاکید کرد. بعلاوه آذر توجه حاضرین به موقعیت زنان در مناطق تحت اسلام و جنبش آزادی زن در ایران جلب کرد. سازمان آزادی زن یکی از تهیه کنندگان قطعنامه پایانی مجمع است.

افتتاحیه و تظاهرات

افتتاحیه فروم چهارشنبه شب در پارک مردم تشکیل شد. بیش



از هزار اطلاعیه سازمان آزادی زن در میان جمعیت پخش گردید.

نقطه اوج این همایش تظاهرات بزرگ روز ۲۰ سپتامبر بود. این تظاهرات نمایش قدرتی عظیم بود در مقابل سرمایه داری، تخریب محیط زیست و علیه راسیسم در اروپا که با استقبال پرشور مردم مالمو روبرو شد. علاوه بر نزدیک به ده هزار نفر شرکت کننده در تظاهرات در تمام مسیر مردم در پیاده رو ها از تظاهرات کنندگان استقبال می کردند. باندرول سازمان آزادی زن و شعار علیه آپارتاید جنسی که بر آن نقش بسته است توجه بسیاری را بخود جلب کرد. بسیاری از آن عکس و فیلم تهیه

فعالین جریانات مختلف در این مجمع در مورد نقش زنان و لزوم حضور برجسته تر فمینیسم و سازمان های زنان در فروم اجتماعی صحبت کردند. این مجمع توسط ابتکار فمینیستی اروپا، زنان برای صلح، شبکه علیه جنایت ناموسی سازمان یافته بود. از سازمان آزادی زن برای شرکت در این جلسه دعوت شده بود. میز کتاب سازمان در این مجمع مورد توجه بسیار قرار گرفت و بسیاری از اطلاعیه های سازمان در مورد فعالیت ما در فروم، مراسم ۸ مارس و معرفی سازمان آزادی زن توسط شهلا نوری در میان حاضرین پخش شد. آذر ماجدی چندین بار در مجمع در مورد لزوم سازماندهی یک جنبش

کردند. بیش از دو هزار اطلاعیه در معرفی سازمان آزادی زن و اهداف آن، علیه آپارتاید جنسی و مراسم ۸ مارس ۲۰۰۹ در میان جمعیت پخش شد.

این راهپیمایی که مدت ۴ ساعت طول کشید به پارک بزرگ شهر مالمو ختم می شد که در آنجا با مجموعه ای از سخنرانیه و پخش موسیقی زنده از تظاهرات کنندگان استقبال می شد. در پارک تعداد زیادی از کتاب "نه به جنگ تروریست ها" بفروش رسید و با مردم در مورد این کتاب و سازمان آزادی زن صحبت شد. تلویزیون مستقل اروپا با آذر ماجدی در مورد فعالیت های سازمان آزادی زن در فروم مصاحبه ای بعمل آورد.

سازمان آزادی زن در این فروم نقش بسیار فعالی داشت و کوشید که صدای قطب آزادیخواه و برابری طلب را بشکلی رسا منعکس کند. صدها نفر این صدا را شنیدند. بیش از ۴۰۰۰ نسخه از اطلاعیه های سازمان در میان مردم توزیع شد. ده ها نسخه از کتاب نه به جنگ تروریست ها و اسلام سیاسی در تقابل با حقوق زن به فروش رسید. بعلاوه سازمان آزادی زن توانست با بسیاری از سازمان های رادیکال و آزادیخواه تماس و ارتباط برقرار کند. در این فروم سازمان آزادی زن با سازمان ابتکار فمینیستی اروپا که کنفرانس سکولاریست رم را سازمان داده بود، فعالیت بسیار نزدیکی داشت. این سازمان کاملاً از ایده سازماندهی قطب سوم استقبال کرد.

زنده باد آزادی زن، سازمان
آزادی زن

۲۳ سپتامبر ۲۰۰۸

رهائی زن رهائی جامعه است!

غرفه آزادی زن در نمایشگاه بین المللی کتاب و کتابخانه گوتنبرگ سوئد

این نمایشگاه داشت که در آن علاوه بر کتب و ادبیات سازمان، اطلاعیه های متعددی در مورد وضعیت زنان و مبارزه آنها علیه زن ستیزی در ایران، در مورد جنایات رژیم اسلامی و مقاومت مردم در مقابل آن و همچنین در زمینه قتل ناموسی برای اطلاع بازدید کنندگان ارائه می شد. غرفه سازمان آزادی زن نمایشی از آزادیخواهی و برابری طلبی و مقاومت و مبارزه وسیع و گسترده مردم علیه رژیم اسلامی، علیه اسلام سیاسی، علیه اعدام و آپارتاید جنسی بود.

در این ۴ روز هیاتی چهار نفره از سازمان آزادی زن، مریم کوشا، آذر ماجدی، شهلا نوری و کریم نوری در غرفه حضور داشتند و با علاقمندان گفتگو می کردند. غرفه آزادی زن مورد بازدید هزاران نفر قرار گرفت. صدها نفر با علاقه از ما در مورد اوضاع ایران و خاورمیانه، در مورد اسلام سیاسی و جنگ تروریست ها، در مورد مقاومت و جنبش اعتراضی زنان و مردم می پرسیدند. طی این ۴ روز بیش از شش هزار اطلاعیه علیه آپارتاید جنسی، قتل ناموسی، جنبش آزادی زن در ایران و

سازمان آزادی زن، اهداف و فعالیت های آن و همچنین در مورد کنفرانس بین المللی ما بمناسبت ۸ مارس در لندن میان علاقمندان پخش شد. بسیاری برای مدت طولانی در کنار غرفه می ایستادند و با ما در مورد مسائل مختلف صحبت می کردند. به ما برای فعالیت و تعهد مان به آزادی و برابری و انسانیت تبریک می گفتند. اعلام می کردند که علاقمندند تا با ما تماس داشته باشند. در این مدت ۱۲۷۳ نفر پتیشن ما در محکومیت آپارتاید جنسی را امضاء کردند. صف طولانی برای امضای پتیشن مانع از آن شد که تعداد

بیشتری پتیشن را امضاء کنند. بعلاوه ده ها نسخه از دو کتاب "نه به جنگ تروریست ها، آلترناتیو سوم سخن میگوید" از انتشارات حزب اتحاد کمونیسم کارگری که حاوی نوشته منصور حکمت در مورد دنیا پس از یازده سپتامبر و قطعنامه های حزب علیه جنگ و تروریسم است و همچنین کتاب "حقوق زن در تقابل با اسلام سیاسی" نوشته آذر ماجدی فروش رسید. صد ها نسخه از بروشوری در معرفی کتاب ماریا هاگبری در مورد قتل ناموسی نیز در میان علاقمندان توزیع شد که تعدادی این کتاب

را سفارش دادند. بعلاوه اطلاعیه هایی از جانب سازمان مردان علیه خشونت ناموسی در میان بازدید کنندگان پخش شد.

در تمام مدت اسلاید و فیلم در مورد وضعیت زنان در ایران و همچنین در مورد قربانیان قتل ناموسی در سوئد به نمایش گذاشته شد. ماریا هاگبری و کریم نوری بویژه در این زمینه



با مردم صحبت می کردند. ماریا در دو نوبت با آذر ماجدی در مورد اسلام سیاسی، جنگ تروریست ها، قطب سوم، جنبش آزادی زن در ایران مصاحبه کرد که مورد توجه بسیار بازدید کنندگان قرار گرفت. رادیو صبح شنبه با شما با شهلا نوری و رادیو نور با آذر ماجدی در مورد فعالیت های سازمان آزادی زن در نمایشگاه کتاب مصاحبه کردند که اولی روز شنبه و دومی بطور زنده روز یکشنبه پخش شد. بعلاوه مبلغ ۶۶۰۹ کرون کمک مالی از علاقمندان

دریافت شد.

سازمان آزادی زن طی دو هفته در فرورم اجتماعی اروپا در مالمو و نمایشگاه کتاب در گوتنبرگ توانست صدای آزادیخواهی و برابری طلبی مردم ایران و جنبش آزادی زن در ایران را به گوش هزاران نفر برساند. طی این دو مجمع ما توانستیم بیش از ده هزار اطلاعیه میان مردم پخش کنیم، حدود صد جلد کتاب بفروش برسانیم، در مورد اسلام سیاسی، جنگ تروریست ها و ضرورت تشکیل قطب سوم علیه دو قطب تروریستی با مردم سخن گوئیم. ایده تشکیل قطب سوم با علاقه و استقبال بسیاری از جانب صد ها نفر روبرو شد. ۹ روز کار فشرده و متمرکز در میان هزاران نفر موقعیت سازمان آزادی زن را بعنوان پیشتاز آزادیخواهی و برابری طلبی و بعنوان نماینده جنبش آزادی زن در ایران تحکیم کرد. ما کلیه انسان های آزادیخواه و برابری طلب، علاقمندان به جنبش آزادی زن و مدافعین انسانیت و آزادیخواهی و مخالفین رژیم اسلامی را به پیوستن به سازمان آزادی زن دعوت می کنیم.

**زنده باد آزادی زن، ستم بر زن
موقوف**

سازمان آزادی زن

۳۰ سپتامبر ۲۰۰۸

(Psychological Abuse) Of Children & youth ۱۹۸۲ "تجاوز به حقوق کودک در معنای گسترده، تجاوز به حقوق قانونی کودک در رسانیدن صدمه جسمانی و روانی به آنهاست". آزار و لطماتی که سایه ی شومشان برای همیشه با معصومیت کودکی اش خواهد آمیخت و این صفحه بعد

خوابی معصومانه با پروانه ها به شهر گلهای سفر می کنند و بر گلبرگ ها به لطافت می آرند. نیازمند یکی محبت، عاطفه و عشق، پناهی سرشار از تفاهم و توجه، فروغ نگاهی از سر ملاطفت و مهربانی، دست گرمی، ابریشم پاک نوازشی، فارغ از اندوه و دغدغه اند. طبق تعریف کنفرانس بین المللی آزار کودکان و نوجوانان

دیگری در انتظار اعدام است. بی آنکه بدانند جرمشان چیست. این تصویر متأسفانه واقعیت تلخی است که روزانه اتفاق می افتد.

کودکان رقصان، "ماهی سیاه کوچولوها"، در بازی شاد آوازهای اعجاب با عروسک ها، با تبسم های فرشته گون، قلبهای کوچک و دوست داشتنی در رویاهای خیال انگیز به

و شاید همین لحظه! چرا سکوت می کنیم؟

شاید همین لحظه کودکی مورد آزار روحی و جسمی قرار دارد. شاید همین لحظه کودکی مورد تحقیر، تنبیه، سرزنش و کودکی دیگر، قربانی خاموش تجاوز جنسی است. شاید و چه بسا کودکی در حبس و آن

نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!

کنترل خشونت علیه کودکان و به ویژه دخترکان همت نمی‌گمارد، بلکه مجوزهایی نیز در راستای توجیه آنها ارائه می‌دهد. تدوین قوانین به گونه ایست که در مراحل اجرایی، بر علیه آنها بوده و اساساً کودک ستیز می‌باشند و حرمت حریم انسان را به طور عام و زنان و کودکان را به طور خاص شکسته‌اند.

سوء استفاده ی جنسی از کودکان بعنوان ابزار اعمال قدرت درآمده است. حکومت اسلامی به این تجاوزات از جانب حق مطلقه ی ولی فقیه "قادر مطلق" اعتبار شرعی و قانونی داده است. فقهای نادان و جنایتکاری که کودکی را که هنوز بدن خود را نمی‌شناسد و نمی‌داند چه بر سرش خواهد آمد و هنوز بلوغ عقلی برای تصمیم‌گیری در مورد زندگی خویش ندارد، آماده ی ازدواج می‌داند. و این چیزی نیست جز برسمیت شناختن "حق تجاوز به کودک".

سازمان ملل متحد در اعلامیه جهانی حقوق بشر به رعایت حقوق ویژه ی کودکان و حمایت آنها تاکید کرده است. * مطابق پیمان نامه ای که برای حفظ و رعایت حقوق کودکان جهان تصویب شده است، یک کودک، انسانی است که سن هجده سالگی را هنوز تمام نکرده است.

* حکومت های عضو پیمان، خود را موظف می‌دانند که کودک را در مقابل هر گونه استثمار و سوء استفاده جنسی حمایت کنند. حکومت ها برای این منظور دست به اقداماتی در سطح داخل و خارج از کشور می‌زنند تا کودکان به روابط جنسی غیرقانونی و یا اجباری کشانده نشوند.

مهناز قزلو (رها)

Mahnaz_ghezelloo@hotmail.com

شوهر شرعی را یدک می‌کشند، وادار می‌نمایند.

بنابر این، پدر و جد پدری که بر فرزند و نواده خود ولایت قهری دارند می‌توانند آنها را حتی پیش از بلوغ (بزعم فقها)، بدون جلب رضایت مادر به نکاح فرد مورد نظر خود درآورند. آیا دختر نه ساله می‌تواند با خواسته بزرگترها مخالفت کند و آیا قادر است موجبات بطلان نکاح تحمیلی توسط آنها را فراهم نماید؟

به نحوی که گذشت فقها و قانونگذاران اسلامی با اذهان پوسیده، سیاه و خودکامه خود، به اندازه ای مجذوب ساختار حقوقی ضد بشری در قوانین می‌باشند که تمامی مفاهیم، ارزش ها و مضامین حقوق انسان ها را زیر پا گذاشته و نه تنها حقوق مادران بلکه حقوق اطفال و کودکان را هم قربانی افکار پلید و قرون وسطایی خویش نموده و در تدوین هر یک از قوانین ارتجاعی و فاشیستی برآمده از قعر جهل، اصل آزادی را به صراحت و وقاحت گردن زده‌اند.

آری..... دیری است خوابِ معصومانه ی کودکان، به زمزمه های شومی که به عنوان قانون کماکان تدوین و اجرا می‌شوند، آشفته گردیده است. ایران در اسارت نیروهای سرکوبگر و بنیادگرایی است که از دین در جهت اعمال خشونت و سلب آزادی سلاحی مخرب، مخوف و خطرناک ساخته‌اند.

قانونگذاری در ایران مبتنی بر نظریه فقهی فقهای شورای نگهبان می‌باشد. بنابر این خشونت علیه کودکان و به ویژه دخترکان ریشه در جوهره ی ضد بشری باوری منسوخ دارد. قوانین کنونی ایران نه تنها به

قانونگذار در سرزمین ما به گونه ای دیگر عمل می‌کند؛ به موجب ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران " طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می‌باشد." همچنین تبصره ذیل ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی که مصوب ۱۳۷۰ شمسی است تاکید می‌کند: "عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی قهری به شرط رعایت مصلحت مولی علیه میباشد". نظر به عبارت پایانی این ماده قانونی، باید بررسی شود اساساً چه مصلحتی می‌تواند در ازدواجهای زیر ۹ سال وجود داشته باشد که تنها بیش بیمارگونه ی این فقهای نادان بدان اشراف دارد؟!!

از آن جا که تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰ شمسی اعلام کرده است که "سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است"، لذا پدر و جد پدری می‌توانند موجبات نکاح دختران تحت ولایت خود را زیر سن نه سالگی و پسران تحت ولایت خود را زیر سن ۱۵ سالگی فراهم آورند.

این قوانین با استفاده از مفهوم وسیع و بلامنازع ولایت قهری، تشخیص مصلحت فرزندان را برای انتخاب همسر منحصرأ در اختیار پدر و جد پدری نهاده است که در عمل و در نهایت، زنجیر و بندهای اسارت و بردگی را به طور مضاعف بر دختران تحمیل نموده و آنها را به همخوابگی با مردانی که مطابق با مفاهیم مذهبی عنوان

تعرضات، اثرات پایداری بر سلامتی‌اش خواهد گذاشت و او را به انسانی با مشکلات پیچیده روانی تبدیل می‌کند.

آمار تجاوز جنسی به کودکان از سوی نزدیکان و خویشاوندان، امری است که در مورد آن به شدت سکوت می‌شود، اما در ابعادی گسترده در زندگی و روح کودکان نقشی مخرب دارد. در کشورهای اروپایی بطور علنی در این باره بحث می‌شود، آمار داده میشود، از کودکان قربانی حمایت میشود، تجاوزکننده چه پدر باشد چه پدرخوانده و... به زندان می‌افتد. الزاماً وجود دمکراسی چنین فجایی را از بین نمی‌برد. اما با مجازات متجاوزین و با حمایت از حقوق کودک، در به رسمیت شمردن "حق انسان بر بدن خویش" و مجازات کسانی که این حق را به رسمیت نمی‌شناسند، با قانونگذاری دمکراتیک و قابل مجازات دانستن آن و با ایجاد امکانات درمانی برای مسببین و همچنین کودکان قربانی که با تجاوز به جسمشان، روحشان زخم خورده است، در مقابل این تجاوزات می‌ایستند.

رابطه ی جنسی يك بزرگسال با يك کودک يك رابطه ی نابرابر است. از آنجا که کودک مجبور به تن دادن به رابطه ای جنسی میشود که در موردش هنوز چیزی نمی‌داند و اصولاً ارگانهای جنسی و بلوغ فکری در او هنوز رشد کافی نیافته است، نوعی اعمال قدرت و خشونت است که از سوی بزرگسال بر کودک تحمیل می‌شود. متجاوز با تهدید، خشونت و با ایجاد هراس و وحشت در کودک به او تجاوز می‌کند و موجب صدمات روحی در او می‌شود که تمام زندگی و آینده ی کودک را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

اما به نظر می‌رسد قانون و

آپارتايد جنسی باید ملغی گردد!

مصاحبه با شهلا نوری



پروین کابلی: شهلا نوری عزیز با خسته نباشید. دو هفته پر از فعالیت مهم برای سازمان آزادی زن. سوسیال فروم در مالمو سوئد و نمایشگاه کتاب و کتابخانه در گوتنبرگ. چرا سازمان آزادی زن در این دو حرکت شرکت کرد و چه اهدافی را دنبال نمود؟

شهلا نوری: جمهوری اسلامی حاکمیت نظام مردسالار و عقب مانده خود را با رودرویی با زنان بنیاد کرد و تا به امروز هم لحظه ای این سرکوب و بیحقوقی و تحقیر متوقف نشده است. در مقابل، ما شاهد مبارزه پیگیر زنان و مردان آزایخواه و برابری طلب برای خلاصی از آپارتاید جنسی هستیم. همانطور که خوانندگان این نشریه مطلع هستند، سازمان آزادی زن خود را جزئی از این مبارزه عظیم، تاریخی و جهانی برای رهایی زن میداند. ما اطمینان داریم که با دستیابی به رهایی زن در ایران، موجبات تغییر در وضعیت زنان در منطقه و در کشورهای اسلام زده را نیز فراهم خواهیم کرد. پیروزی ما نقطه امید جنبش رهایی زن در کشورهای همسایه و منطقه خواهد شد.

مبارزه ما نه تنها در ایران، که زن ستیزی بشکلی وحشیانه در آن حاکم است، بلکه در پیشرفته ترین جوامع امروز بشر نیز امری عاجل است. بنابراین مبارزه با تمامی تلقیات و ارزشهای مردسالارانه و زن ستیزانه و برای امحاء کامل نابرابری بین زن و مرد یک وظیفه مهم و فوری در عرصه جهانی هم هست و از همین رو مبارزه ما باید ابعادی جهانی داشته باشد. سازمان آزادی زن خود را بخشی از یک گردان

جهانی علیه زن ستیزی و برای آزادی و برابری زن میداند.

پروین کابلی: حضور سازمان آزادی زن در این دو گردهمایی چگونه خود را نشان داد؟ سازمان آزادی زن با چه ابزاری توانست شرکت کنندگان را در جریان فعالیت های خود قرار دهد؟

شهلا نوری: از پاییز سال گذشته ارتباط و همکاری ما با سازماندهان فرامگان شروع شد و طی جلسات متعددی توانسیم سمیناری را در فروم گوتنبرگ سازمان دهیم. این سمینار همزمان با چندین سمینار دیگر در موزه فرهنگ ها در شهر ما برگزار گردید و توانست توجه عده ای را به مسئله حقوق زن در رابطه با اسلام سیاسی جلب کند. به دلیل همین موفقیت بود که جایگاه سازمان آزادی زن در این فروم مشخصتر شد و برگزار کنندگان لزوم وجودی این بحثها را در فروم اروپایی بیشتر احساس کردند. از آن به بعد ما به دلیل کمبود وقت نتوانسیم در نقش سازمانده سراسری ظاهر شویم. اما در رابطه با کشمکش دو قطب تروریستی و تأثیرات آن بر زندگی مردم بخصوص زنان و لزوم تشکیل یک قطب سوم در تقابل با هر دو قطب، با جریانات فعالی که خود بخشی از سازمانده گان بودند همکاری نزدیکتری را شروع کردیم. یک دلیل دیگر که توانست بیش از ۱۵۰ نفر را به سمینار ما جلب کند، حضور

ما در مراسم افتتاحیه بود. ما توانستیم با پخش بیش از هزار اطلاعیه در میان حاضرین توجه شان را به این سمینار جلب کنیم. باید توجه داشت که همزمان با سمینار ما ده ها سمینار دیگر در شهر برپا بود.

مهمترین نکته از نظر من این است که ما پرچم جنبش آزادی زن در مناطق اسلام زده را در دست گرفته ایم و طی سالهای گذشته رژیم اسلامی ایران را بعنوان مرکز ثقل اشاعه اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی به جهانیان معرفی کرده ایم. این خورشون و شهامت ابراز آن در جهان موجود زمینه این را بوجود آورد که جریانات و فعالان در عرصه حقوق زنان از رئیس سازمان آزادی زن رسماً دعوت بعمل بیاورند تا در سمینارها و مجامع آنها در مورد جنبش آزادی زن و دو قطب تروریستی موجود جهان سخنرانی کند.

پروین کابلی: این دور حرکت مهم تأثیرات خود را حتما خواهد داشت. اما برای خود شما چه دستاوردی داشت و چه چیزی بیشتر از همه برای شما جالب بود؟

شهلا نوری: ما در قالب زنان مبارز و راهگشای آزادی زن در ایران و منطقه ظاهر شدیم و صدای میلیونها انسان آزادیخواه و برابری طلبی را که خواهان تغییر وضع موجود هستند، به گوش هزاران نفر رساندیم. ما نشان دادیم که تنها حمایت کننده نمی خواهیم، ما سخنگوی میلیونها انسانی هستیم که برای یک دنیای بهتر مبارزه می کنند.

همانطور که میدانید مسائل خاورمیانه و بخصوص ایران به سرتیتر روزانه اخبار مدیا در جهان تبدیل شده است. تأثیرات جنگ تروریست ها و نقش ویرانگر آن بر زندگی مردم و بخصوص زنان و

کودکان در عراق، افغانستان و لبنان و خطر حمله به ایران، یک مسئله واقعی است و باید جواب بگیرد! مهاجرت و پناهندگی میلیونها انسان از این مناطق و مسئله خشونت و قتلهای ناموسی و تأثیرات آن بر جوامع اروپایی روی دیگر سکه در روند زندگی زنان مهاجراست. ما در سازمان آزادی زن بعنوان یک سازمان جهانی، طی سالهای گذشته توانسته ایم تأثیرات بسزایی در جلوگیری از تعرض به حقوق زنان مهاجر داشته باشیم و یکی از اقدامات برجسته ما جلوگیری از قانونی شدن دادگاه های شریعه در اونتاریو کانادا بود. ما در عرصه مبارزه با خشونت های ناموسی در اروپا، سمینارها و کنفرانسهای بین المللی سازمان داده ایم و کلیه این تلاشها موجبات همکاری با سازمانها و نهادهایی را در سطح اروپا فراهم آورد. ایده تشکیل یک قطب سوم با استقبال بسیاری روبرو شد و تعدادی از نهادهای های مدافع حقوق زن، آزادیخواه و چپ خواهان همکاری با ما در این زمینه شده اند. این دستاورد بسیار بزرگی است. اما آنچه از همه چیز برای من جالبتر بود، خوشحالی و رضایت وصف ناپذیر مردمی بود که از حضور ما در این صحنه خوشحال بودند و ما را به ادامه مبارزه تشویق می کردند.

پروین کابلی: بعنوان آخرین سوال، چه خاطره ای بیشتر از همه برای شما ماندنی است؟

شهلا نوری: ما در طی روزهای همایش بزرگ فروم اروپا و بعد از سخنرانی آذر ماجدی در سمیناری با تم "اسلام سیاسی، حقوق زنان و کشمکش جهانی" در مجامع دیگر و یا در خیابانها با جوانانی برخورد میکردیم که مشتاق ادامه بحثهای ما بودند.

نه به مجازات اعدام = نه به جمهوری اسلامی!

مصاحبه با شهلا نوری

خریداری می کردند.

مضاف بر آن تعداد زیادی از فعالین در زمینه حقوق زنان و کارمندان اداره امور اجتماعی و معلمین به غرفه ما آمده و از ما کمک می خواستند تا بتوانند روش صحیح را در برخورد با مراجعین خود اتخاذ کنند. از همه اما جالبتر مراجعه دختران جوانی بود که خود تحت فشار خشونت‌های ناموسی زندگی سختی را می گذرانند و همینطور مراجعه مسئولین خانه‌های امن که متوجه شده بودند حرف ما با بسیاری از سازمانها و نهادهای مدافع حقوق زن، متفاوت است. البته پرداختن به این مسئله و توضیح تفاوت‌های ما خود به فرصت‌های دیگری نیاز دارد که خود شما در این زمینه تجربیات بسزایی دارید!

برای خود من بسیار جالب بود که جوانانی که در اروپا بدنیا آمده اند تا این اندازه پیگیرانه خواهان امکان پذیری تغییر وضع موجود در زادگاه پدر و مادر خود و بطور کلی در جهان باشند. آنها خواهان پیدا کردن راهکارهای جدید جهت ایجاد جامعه ای آزاد، برابر و مرفه و انسانی در سراسر جهان بودند و با کمال میل ادبیات ما را خریداری می کردند تا بیشتر بدانند.

در نمایشگاه کتاب هم وضعیتی بر همین منوال بود. مردم با کمال میل امضای خود را زیر خواست ما جهت مبارزه با آپارتاید جنسی موجود در ایران قرار می دادند و کتابهای موجود در غرفه ما را

ملاقات. از پدرش می ترسید. نمی خواست ببیندش. یک روز پدر همسر دوم آمد ملاقات و گفت زهرا را بده ببرم بیرون اسمش را بنویسم مدرسه. بچه را که بهشان دادم، یک هفته بعد فهمیدم او را پیش پدرش برده اند. توی زندان کاری از من بر نمی آمد. حتی نمی گذاشتند با دخترم حرف بزنم. سه سال تمام از زهرا بی خبر بودم." چند ماه پیش بود که لیلا از زندان مرخصی گرفت تا بدهی هایش را قسط بندی کند. همه امیدش این بود که برای مهرداد زهرا را پیش خودش بیاورد. رفت شهرستان و دو اتاق کوچک در یک زیر زمین اجاره کرد تا با خیاطی خرج خودش و پسر ۲ ساله اش که در زندان بدنیا آمده بود را بدهد.

پدر کودکش وقتی که او زندان بود غیابی طلاقش داده بود. بهانه اش این بود که زنش زندانی است و نگفته بود که بخاطر ضمانت بدهی های من زندانی شده. نگفته بود که من فرار کرده ام او بخاطر من دارد تاوان می دهد. راهی هم برای اثبات این ادعاها نبود.

هنوز روبراه نشده بود که همسایه ها از اهواز زنگ زدند که دخترت در بیمارستان است. خودش را کشته. شبانه راه افتاد و سه روز تمام بالای سر دخترش بود به جای تمام سه سالی که زهرا را ندیده بود. به جای تمام ماه ها و روزهایی که حسرت شنیدن صدایش را داشت. دخترک اما بهوش نیامد. معده اش از ۲۴ ساعت قبل خودکشی خالی بود و سم "قرص برنج" به جانش نشسته بود. دردل هایش را بعدا نوشته بود. روی ورق پاره ای که بعد مرگ، در جیب لباسش پیدا کردند:

"امیدوارم این نامه بدست مامان لیلا برسه و گرنه خیلی حرفهام که دوست داشتنم بهش بگم، نگفته می مونه. مامانی خیلی دوستت دارم. می دونم با این کارم خیلی ناراحت می شی و غصه می خوری. اما اگه تو هم جای من بودی این کار را می کردی. شاید اگه اینجا بودی با هم این کار را می کردیم و اون دنیا با هم زندگی می کردیم. اینجا همه اش از من ایراد می گیرن. کتکم می زنن. بهم فحش می دن. نمی دارن راحت باشم. حالا هم که می خوان شوهرم بدن. مگه من چند سالمه که اینقدر منو اذیت می کنن؟ دیروز عمو علی منو زد. بابا هیچی نگفت. طرف من را هم نگرفت. دلم می خواد درس بخونم و دکتر بشم، پاهاتو خوب کنم. ولی نه، دلم می خواد مثل دوستت روزنامه نگار بشم و از دخترهای بدبخت مثل خودم، دفاع کنم. می دونم بعد از مردن من، تو آبروی اینها را می بری و پدرشونو درمیاری. غصه نخور من اونجا منتظرتم."

لیلا از همین حالا نگران دختر ۶ ساله اش است که فقط یک سال دیگر حضانتش با او است و سرپرستی و اجازه ازدواجش از همین الان با پدرش است. نگران است که او هم به سرنوشت زهرا دچار شود.

تا وقتی قانون اجازه ازدواج دختر بچه ها را می دهد، تا وقتی پدر می تواند هرگاه که خواست دخترش را شوهر دهد، تا وقتی مادر هیچ حقی در تعیین سرنوشت فرزندش ندارد، تا وقتی قانون نابرابر بر زندگی ما زنان حاکم است. همه مادرها نگران دخترانشان اند. نگران اینکه هیچ وقت فرصت کودکی کردن نیابند. نگران اینکه با یک ازدواج زودرس و اجباری همه زندگی شان تباه شود.

نقل بطور خلاصه از سایت تغییر برای برابری

زهرای ۱۱ ساله با چراغ سبز قانون به حجله مرگ فرستاده شد

زهرا فقط ۱۱ سال داشت. ۱۱ سال و هزار آرزو. می خواست "درس بخواند، روزنامه نگار شود و از دخترهای بدبخت دفاع کند". به هیچ کدام از آرزوهایش نرسید. پدرش می خواست به مردی ۳۵ ساله شوهرش دهد. دخترک تنها بود و بی پناه. مخالفت که کرد کتک خورد، بیشتر از همیشه، طاقتش که تمام شد خودش را کشت. با قرص برنج.

چند روز پیش از خودکشی زهرا مادرش خبردار شده بود که می خواهند دخترش را شوهر دهند. یکی از همسایه ها خبرش کرده بود تا شاید بشود جلوی فاجعه را گرفت.

"تلفن زدیم به مغازه پدر بزرگش، التماسش کردم که با لیلا این کار را نکنند، که زندگی اش را خراب نکنند. گفتم خودم می آیم و می برم. خودم خرجش را می دهم. به حرفم گوش نکرد. گفت دختر باید برود خانه شوهر چند سال اینور و آنور. چه فرقی می کند."

اینها را لیلا می گوید. زن ۳۵ ساله ای که هنوز باور نمی کند دخترک ۱۱ ساله اش خودش را کشته است. از شوهرش که جدا شد، مهریه و نفقه و جهاز و همه حق و حقوقش را بخشید و در عوض حضانت زهرا را گرفت. چند سال بعد وقتی برای ۸ میلیون تومان بدهی به زندان افتاد (در واقع بدهی او به علت ضمانت بدهی شوهر دومش بود) زهرا را به خانواده پدرش دادند و دخترک در تمام این چهار سال اجازه یک تماس تلفنی با مادرش را نداشت.

"زندانی که ششم هشت ماهی زهرا با من بود. هم زهرا و هم دختر دیگر که شش ماه داشت. پا به پای من زندان را تحمل می کرد و دم بر نمی آورد. یک بار که پدرش آمد ملاقاتش رفت. اینقدر جیغ کشید و گریه کرد که زندانبانها رضایت دادند و نبردندش برای

رهائی زن همین امروز!



علیه لایحه ارتجاعی محروم کردن دختران دانشجو از زندگی مستقل بپاییزیم!

بر اساس گزارش "ایلنا" لایحه ای در کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس رژیم اوباش اسلامی در دست بررسی است که بر مبنای آن از این پس دخترانی که در آزمون سراسری دانشگاه ها پذیرفته میشوند تنها "در محل اقامت پدر و مادر یا همسر خود" میتوانند ادامه تحصیل بدهند. موسی قربانی، نماینده قاننات، گفته است که "امیدوار است سال آینده این طرح به صورت قانون در آید."

لایحه ای که اکنون در کمیسیون مجلس رژیم اسلامی در دست بررسی است یک لایحه تماما ارتجاعی، تبعیض آمیز و ضد زن، و گامی دیگر در جهت تحکیم نظام آپارتاید جنسی است. بر اساس این لایحه ارتجاعی، دختران از امکان گزینش دانشگاه مورد نظر خود محروم شده و انتخاب آنها محدود به دانشگاههای منطقه مورد زندگی شان خواهد شد. در این چهارچوب از یک طرف دختران ساکن شهرهای کوچک از ثبت نام در دانشگاههای اصلی که عمدتا در شهرهای بزرگ و تهران قرار دارند، محروم خواهند شد.

و از طرف دیگر دختران ساکنین شهرهای بزرگ از ثبت نام در دانشگاههای سایر مناطق کشور محروم میشوند.

این طرح تبعیض آمیز امکان زندگی مستقل و تحصیل (جدا از خانواده) را از دختران دانشجو سلب میکند. این طرح بر اساس این سنت و نگرش کتیف اسلامی تدوین شده است که زن را کالای مرد و در کنترل مرد در سیستم اسلامی و مردسالار قلمداد میکند. از نظر سیاسی هدف این طرح مقابله با واقعیتی متناقض در جامعه است. در جامعه و در خانواده موقعیت و حقوق زن بسیار بالاتر از موقعیت زن در قوانین ارتجاعی اسلامی است. رژیم اسلامی تلاش دارد با قرنطینه کردن دختران دانشجو در محل زندگی خود، همسران و پدران آنها را وسیله اسارت آنان قرار دهد. این طرح در عین حال توهینی به پدران و همسران زنان دانشجو است. این طرح در عین تلاشی برای محرومیت دختران دانشجو و تقلیل درصد دخترانی است که در رده آموزش عالی مشغول تحصیل هستند. در حال حاضر دانشجویان دختر شصت و چهار درصد دانشجویان دانشگاهها را تشکیل میدهند. یک رکن تلاش ارتجاعی رژیم اسلامی پائین آوردن و محدود کردن حضور دختران دانشجو در سیستم های آموزش عالی و به این اعتبار در سایر عرصه های اجتماعی است. تلاش

برای حضور در دانشگاهها و مدارس عالی یک قلمرو جدال زنان با رژیم ضد زن جمهوری اسلامی است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری این طرح فوق ارتجاعی و ضد زن و اسلامی را قویا محکوم و برای به شکست کشاندن آن تلاش میکند. زنان برده و مایملک مردان و پدران و اسلام نیستند. اکثریت عظیم پدران و همسران زنان دانشجو حاضر نیستند به مجری این سیاست کتیف ضد زن بدل شوند. زندگی مستقل فردی حق انکار ناپذیر هر شهروندی است که به سن قانونی رسیده است. هر گونه انقیاد و وابستگی و محدودیتی در این چهارچوب محکوم است. آزادی بی قید و شرط انتخاب محل سکونت و تحصیل یک حق انکار ناپذیر تمامی شهروندان جامعه اعم از زن و مرد است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در کیله شئون اجتماعی مبارزه میکند. حزب تاکید میکند که کسب بدیهی ترین حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی و دستیابی به حقوق زنان در گرو بزیر کشیدن رژیم ارتجاعی و ضد بشری جمهوری اسلامی است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای سرنگونی رژیم اسلامی و برقراری یک حکومت کارگری، یک جمهوری سوسیالیستی، مبارزه میکند. حکومت کارگری با به اجرا

گذاشتن کلیت برنامه کمونیستی خویش، یک دنیای بهتر، شرایط آزادی و رهایی و برابری واقعی کامل همه مردم را فراهم میکند.

زنان و مردان آزادیخواه!

مبارزه علیه این لایحه ارتجاعی و تلاش برای درهم شکستن آن یک جبهه مبارزه علیه سیستم کتیف آپارتاید جنسی و تبعیض براساس جنسیت است. باید کاری کرد که این لایحه طرح نشده جمع شود و به همان پستوهای مخیله ارتجاع ضد زن برگردانده شود. در ابتدای شروع سال تحصیلی و در دانشگاهها و مراکز آموزشی علیه آپارتاید جنسی و لایحه پیشنهادی صدایتان را بلند کنید. در مقابل سیاست گسترش آپارتاید، سیاست تعرض به آپارتاید جنسی را در دستور گذاشت.

حزب از تمامی شما زنان و مردان آزادیخواه، از تمامی دانش آموزان و دانشجویان میخواهد که به مقابله جدی با این طرح ارتجاعی و حقارت آمیز برخیزید.

مرگ بر رژیم آپارتاید جنسی!

زنده باد آزادی و برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۳۰ شهریور ۱۳۸۷

۹،۵ شب به وقت ایران، ۱۱ صبح به وقت لس آنجلس و ۲ بعد از

ظهر به وقت تورنتو

آدرس اتاق: شبکه پالتاک، گروه خاور میانه - ایران

azarmajedi@yahoo.com www.azadizan.com

سازمان آزادی زن کجا ایستاده است؟ نمایندگی جنبش آزادی زن

در ایران در سطح جهانی

جلسه آذر ماجدی در شبکه پالتاک

جمعه ۱۰ اکتبر ۲۰۰۸ ساعت ۸ شب به وقت اروپای مرکزی،

نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کند.

مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

رئیس سازمان آزادی زن آذر ماجدی، azarmajedi@yahoo.com

سردبیر پروین کابلی، parvinkaboli@yahoo.se، **Tel: +46 707 744 020**

دستیار سردبیر اسماعیل اوجی، esmail_owji@yahoo.com

زنده باد آزادی زن، زنده باد برابری!